

بررسی جلوه‌های فضایل اخلاقی در اشعار سنایی و تأثیر آن بر ادبیات عرفانی

حجت الله اسماعیل نیا گنجی*
دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۶)

چکیده

زمینه: ادبیات فارسی همواره بستری برای طرح مفاهیم اخلاقی و تربیتی بوده است و شاعران بزرگ این حوزه با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، عقلانی و عرفانی، به تبیین فضایل اخلاقی پرداخته‌اند. سنایی غزنوی از نخستین شاعرانی است که شعر فارسی را از مدح و توصیف‌های درباری به سوی مضامین تعلیمی و عرفانی سوق داد و در آثار خود، نظامی منسجم از اندیشه‌های اخلاقی ارائه کرد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی جلوه‌های فضایل اخلاقی در اشعار سنایی و تبیین تأثیر آن بر شکل‌گیری و گسترش ادبیات عرفانی و تعلیمی فارسی پرداخته است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سنایی با تکیه بر اصولی چون دین، قرآن و عقل، نظامی اخلاقی را در شعر فارسی بنیان نهاد که محور آن تزکیه نفس، حقیقت‌جویی و رهایی از دل‌بستگی‌های دنیوی است. فضایل اخلاقی همچون نیت پاک، قناعت، شکرگزاری، طهارت درونی و پیوند علم و عمل در آثار او جایگاهی اساسی دارند. این آموزه‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان اخلاق عرفانی در شعر فارسی شدند و در آثار شاعرانی چون مولوی، نظامی، سعدی و حافظ به شیوه‌های گوناگون ادامه یافتند.

کلیدواژه‌ها: سنایی، فضایل اخلاقی، ادبیات تعلیمی، ادبیات عرفانی

مقدمه

در سطح فضایل اخلاقی^۵، سنایی مجموعه‌ای نظام‌مند از ارزش‌ها را بنیان می‌گذارد؛ نیت، جوهر هر عمل و معیار ارزش‌گذاری اخلاقی^۶ است؛ اخلاق بدون نیت راستین، پوسته‌ای بی‌روح می‌شود. قناعت، راه عزت و آزادی معنوی است و در برابر طمع قرار دارد؛ سنایی آن را گنج بی‌پایان و منبع آرامش می‌داند. شکر، حالت معرفتی شناخت نعمت و رضایت در برابر قضای الهی است؛ سنایی عجز از شکر را نیز مرتبه‌ای از تواضع معنوی می‌خواند. طهارت، از سطح ظاهری فراتر رفته به پاکی دل و توبه می‌رسد؛ در این تطهیر اخلاقی دل چون آینه صفات الهی می‌گردد. پیوند علم و عمل، محور انجام وظیفه اخلاقی است؛ سنایی عالم بی‌عمل را سخت‌تر از جاهل می‌داند، زیرا دانایی بدون تزکیه ابزار غرور است. این آموزه‌ها به‌عنوان زیربنای اخلاق عرفانی^۷، مسیر تحول شعر فارسی را تعیین کردند. سنایی با زبان صریح و موعظه‌گرانه، مفاهیم اخلاقی را از سطح تعلیم نظری به سلوک عملی رساند و زمینه پیدایش عرفان تعلیمی در شعر بعدی را ایجاد نمود. در امتداد این مسیر، آثار مولانا آشکارترین تأثیر را از سنایی گرفته‌اند؛ او مفاهیم قناعت، توکل و علم همراه با عمل را در مثنوی معنوی با تمثیل‌های گسترده بازآفرینی کرد و تعالیم سنایی را به نظام فکری وحدت وجودی پیوند زد.

سنایی غزنوی یکی از نخستین شاعرانی است که قلمرو شعر فارسی را از مدح و وصف ظاهری به ساحت معرفت^۱، اخلاق^۲ و عرفان برد. در حدیقه‌الحقیقه، او اخلاق را نه صرفاً مجموعه‌ای از پند و اندرز، بلکه راهی برای بیداری معنوی و خودشناسی می‌داند. در جهان‌بینی سنایی، اخلاق جلوه‌ای از پیوند میان انسان و خداست، و اصولی مانند دین، قرآن و عقل به‌عنوان ارکان تعلیم و تزکیه معرفی می‌شوند. در دستگاه فلسفی و دینی سنایی، دین محور تربیت انسانی است و اطاعت از شریعت، عین تزکیه‌ی درون به شمار می‌آید. مؤمن حقیقی کسی است که از سطح عبادت ظاهری فراتر می‌رود و دین را به صورت جوهر وجودی درمی‌یابد. در همین امتداد، قرآن منبع زنده معرفت اخلاقی^۳ است؛ سنایی آن را چون آبی می‌داند که جان آلوده را می‌شوید و عقل را روشن می‌کند، مشروط به آنکه دل انسان طهارت یافته باشد. سومین رکن منظومه او عقل است که هم منشأ تمیز و هم ابزار عمل اخلاقی^۴ است. عقل فعال در شعر سنایی نور هدایت الهی است و انسان را از دام شهوت و غضب، یعنی از مرز حیوانیت، گذرانده به علیین می‌برد. این سه اصل- ایمان دینی، معرفت قرآنی و عقل هدایتگر-چارچوب بنیادین تهذیب را می‌سازند که غایتش رهایی از قید دنیا و وصول به قرب الهی است.

تا در این عالمی که پرصید است تا بر این مرکبی که پرکید است
تو نگشتی به سر او واقف نرسیدی هنوز در موقف (۱)
سنایی قرآن را چون آب می‌داند که جان تشنه‌ی انسان را سیراب
می‌سازد. این تشبیه حاکی از پیوند میان تزکیه اخلاقی و درک قرآنی
است؛ چنان که طهارت در جان و ذهن، شرط فهم حقیقی آیات الهی
شمرده می‌شود.

حرف و قرآن تو ظرف و آب شمر آب می‌خور به ظرف در منگر (۱)
از این رو قرآن نزد سنایی، آموزگاری اخلاقی است که خرد و ایمان را به
هم پیوند می‌زند و انسان را به تقوا و شفافیت درون فرامی‌خواند.

دل مجروح را شفا زویست جان مجروح را دوا زویست (۱)

۳. عقل؛ ابزار رهایی و شناخت

در دیدگاه سنایی، عقل برترین موهبت الهی و پایه‌ی تمام فضایل
اخلاقی است:

کاول آفریده‌ها عقل است برتر برگزیده‌ها عقل است (۱)

عقل، نیروی تمییز میان کفر و ایمان است و انسان را از ورطه‌ی هوس،
غفلت و گناه نجات می‌دهد. در نظام تربیتی سنایی، عقل نه صرف
ادراک نظری بلکه راهنمای عمل اخلاقی است:

آن کس که به ملک عقل رسید دو جهان را چنانکه هست بدید (۱)
از نظر او، عقل مشاور دل است و عامل نیرومندی بطن بشر؛ در روز
قیامت نیز، ملاک ثواب و عقاب به میزان بهره‌مندی از عقل خواهد بود:

دهد ایزد که سؤال و جواب هر کسی را به قدر عقل ثواب (۱)

سنایی میان عقل و خرد تفاوتی لطیف قائل است؛ عقل را مبدأ تشخیص
و خرد را عامل عمل می‌داند. این عقل الهی است که انسان را از بدی
نجات داده و به علین می‌برد:

کشد این را هوا سوی سچین برد آن را خرد به علین (۱)

در نتیجه، عقل در منظومه اخلاقی سنایی همان نور الهی است که با
دین و ایمان درهم می‌آمیزد و فضیلت‌ها را در جان انسان تثبیت می‌کند.

۴. هدف اخلاق؛ رهایی از دنیا و قرب الهی

به نظر سنایی، غایت نهایی اخلاق، آزادی^{۱۴} انسان از بند تعلقات دنیوی
و رساندن او به مقام قرب الهی است:

ای به چاه غرور مانده اسیر بر تو نفس هواپرست امیر

خیز کاین خاکدان سرای تو نیست این هوس خانه است جای تو نیست
چه افکنی بیهده بساط نشاط اندرین صد هزار ساله رباط

گر قبای با خواهی سوخت برکش از تن قبای آدم دوخت

خویش را از این قفس برهان بنما از خلیفتی برهان (۱)

اخلاق در نگاه او تنها مجموعه‌ای از قواعد رفتاری نیست؛ بلکه راهی
برای خودشناسی و رهایی است. ناتوانی از تزکیه‌ی نفس مساوی با
دریند بودن به هوا و هوس است، و فضیلت در ترک این بندها نمود
می‌یابد. از این منظر، تمام ابزارهای اخلاقی سنایی - دین، عقل، و
معرفت قرآنی - در خدمت همین هدف غایی‌اند.

۵. نفس و قوا؛ میدان عمل اخلاقی

سعدی آموزه‌های سنایی را در قالب ادبیات تربیتی و اخلاق اجتماعی^{۱۵}
بازتاب ساخت؛ کنترل زبان، اعتدال، و قناعت در گلستان تجلی همان
فضایل حدیقه است، اما در صورتی ساده‌تر و انسانی‌تر. حافظ نیز
مضامین سنایی را به سطحی نمادین و هنری رساند: نقد دلبستگی‌های
مادی، نگاه فلسفی به ناپایداری جهان و دعوت به حقیقت باطنی، همه
از عناصر اخلاق عرفانی سنایی‌اند که در غزل‌های او تطبیف و تغزل
یافته‌اند. در پایان، نظامی آموزه‌های سنایی را در قالب روایت و تمثیل
منسجم ساخت؛ داستان‌های رمزی چون «آب حیات خضر» و «سنگ
اسکندر» استمرار همان جست‌وجوی حقیقت و صداقت هستند، با بیانی
حماسی و هنری‌تر. برآیند این تأثیرات نشان می‌دهد که سنایی
سرچشمه‌ی اصلی پیوند میان اخلاق اسلامی^{۱۶}، فلسفه‌ی عقل‌گرایانه^{۱۷} و
عرفان عاشقانه در ادب فارسی است. پس از او، اخلاق عرفانی دیگر
صرف اندرز نیست؛ بلکه نوعی معرفت وجودی^{۱۸} و تجربه‌ی روحانی^{۱۹}
است که در شعر فارسی از حدیقه تا مثنوی، از گلستان تا دیوان حافظ و
مخزن‌الاسرار، تداوم یافته است. سنایی نه تنها بنیادگذار «عرفان
عملی»^{۲۰} در شعر فارسی است، بلکه با احیای مفهوم فضیلت به‌مثابه
سیر از نفس به سوی حق، روح اخلاق اسلامی را در کالبد هنر جاودانه
ساخت.

بحث

مبانی فلسفی و دینی اخلاق نزد سنایی

۱. دین؛ محور شریعت و راه قرب

دین در نظام فکری سنایی اساس هر حرکت تربیتی و اخلاقی است. به
باور او، ریشه‌ی فضیلت در ایمان قرار دارد و بدون شریعت، سلوک
معنوی معنایی ندارد:

دین نگهدار دل به ملک رسی ورنه بی‌دین بدان که هیچ
کسی (۱)

او پیروی از دین را نه وظیفه‌ای بیرونی، بلکه حقیقت وجودی انسان
می‌داند: «رسیدن به مرتبه‌ی عالی چیزی جز سوز دین در جان
آدمی نیست». نظام اخلاقی سنایی بر این بنیاد شکل گرفته که ایمان و
پرستش، نگاه انسان را از ماده و دنیا به عالم معنا سوق دهد. اطاعت از
اوامر شرع، راه رهایی از هوس، جهل و خودبینی است؛ چنان که می‌گوید:
چون تو بدانی پرستش از شیطان ایمنی در جهان و با سامان (۱)
از این منظر، دین در اندیشه‌ی سنایی صرف عبادت نیست، بلکه روش
تربیت روح و اصلاح نفس است؛ ارزش واقعی انسان نه به حسب و
نسب، بلکه به میزان ایمان و عمل صالح اوست.

۲. قرآن؛ منبع معرفت اخلاقی

یکی از جلوه‌های بنیادین در نظام اخلاقی سنایی، توجه عمیق او به
قرآن است. در آثار وی، قرآن سرچشمه‌ی حکمت و آیینی‌ی جان‌های
پاک خوانده شده است:

بکن از بهر حرمت قرآن عقل را پیش نطق او قربان

عقل نبود دلیل اسرارش عقل عاجز شده در کارش

سنایی، همانند حکمای مشائی و متکلمان اسلامی، نفس انسانی را دارای سه قوه می‌داند: غضبیه، شهویه و ناطقه.

به باور او، پرورش و تهذیب این قوا بنیان تعلیم اخلاق است. قوه ناطقه، سلطان وجود آدمی است و خرد و حکمت از آن سرچشمه می‌گیرند؛ سبب خشم و شهوت از لقمه است آفت ذهن و فطنت از لقمه است مرد شهوت پرست را در خیم بتو از بت پرست خواند حکیم بنده بطن و لذت و شهوات بتر از بنده عزیزی و منات (۱) او خشم و شهوت را زمینه‌ی سقوط انسان می‌شمارد و در موضعی عرفانی، عقل را جانشین خدای در وجود آدمی می‌داند که اگر فرمان او را اطاعت نکند، در بند نفس گرفتار می‌شود:

خشم و شهوت خصال حیوان است علم و حکمت کمال انسان است
تو به گوهر خلیفه ای ز خدای بر خری و سگی فرود میایی
تا تو از خشم و آرزو مستی به خدای ار تو آدمی هستی
کرده ای با دل و جگر در هم خشم ابلیس و شهوت آدم
زین دو قوت به گاه کام و نبرد به سباه و بهیمه ماند مرد
عفت و حلم آلت خردند شهوت و خشم آفت خردند (۱)

بر این اساس نظام اخلاقی سنایی بر سه اصل استوار است: ایمان دینی، معرفت قرآنی و عقل فعال. این سه، ساختار سه‌گانه‌ی تربیت انسانی را شکل می‌دهند که هدف آن رهایی از نفس و پیوند با عقل کلی الهی است. سنایی با پیوند زدن اخلاق به شریعت، به عقل به‌عنوان نور هدایت می‌نگرد و قرآن را معیار سنجش و پالایش درون معرفی می‌کند. از همین رو، اخلاق در اندیشه‌ی او نه صرف دستور یا اندرز، بلکه راه سلوکی برای رسیدن به وحدت با حقیقت الهی است. تأثیر این نگرش بر ادبیات عرفانی بعدی آشکار است. سنایی راهی را گشود که در آن اخلاق به معنای حقیقی آن، یعنی تزکیه‌ی نفس و نجات روح، معنا شد؛ و فضیلت اخلاقی در قامت «عرفان عملی» جلوه نمود.

جلوه های فضایل نزد سنایی

۱. نیت؛ معیار ارزش‌گذاری اخلاقی و بنیاد سلوک عرفانی

در نظام اخلاقی اسلام، «نیت» روح و حقیقت عمل شمرده می‌شود و ارزش اخلاقی رفتار انسان بر اساس انگیزه‌ی درونی او سنجیده می‌شود. سنایی این دیدگاه را که ریشه در حدیث نبوی «إنما الأعمال بالنیات» دارد، در شعر خود به صورت گسترده بازنموده است. او باور دارد که خداوند به ظاهر اعمال نظر نمی‌کند، بلکه نیت، یعنی باطن و حقیقت انسان، محل داوری الهی است.

سنایی به صراحت میان «نیت واقعی» و «گفتار ظاهری» تمایز می‌گذارد و نشان می‌دهد که زیبایی و آلودگی عمل، در نیت نهفته است: نطق در گوش عاریت باشد لب تین چیست کو نیت باشد
معنی گل ز تین چو حاصل شد اندرونش چون جان همه دل شد (۱)

از نظر او، نیت برخاسته از دل، قدرت تحول‌آفرین دارد و می‌تواند شرک پنهان و آلودگی باطنی را بزدايد:

نیت پاک چون ز دل برخیزد نقطه شرک را برانگیزد (۱)
در این نگرش، نیت پاک تنها زمانی ارزشمند است که در جهت اطاعت الهی به کار گرفته شود و اعمال انسان را متوجه حقیقتی ورای دنیا کند. او با تأکید بر نقش طاعت، می‌گوید:

طاعت ایزدی بضاعت را سنت احمدی شفاعت را
فرض الله چون به جای آری عرش را سر به زیر پای آری (۱)
پس نیت در شعر سنایی نه تنها معیار اخلاق، بلکه آغاز سلوک معنوی و فاصله گرفتن از ظاهرگرایی دینی است. این مبنا بعدها در ادبیات عرفانی، به‌ویژه در آثار عطار و مولوی، تداوم می‌یابد.

۲. قناعت؛ خرسندی روح و رهایی از اسارت دنیا

قناعت در شعر سنایی یکی از بنیادی‌ترین فضایل اخلاقی به شمار می‌آید و در برابر حرص و طمع - که سرچشمه‌ی بسیاری از رذایل اخلاقی^{۱۵} است - قرار می‌گیرد. سنایی قناعت را عامل آرامش درونی، «بی‌نیازی از مخلوق» و مایه‌ی عزت می‌داند:

گرت نزهت همی باید به صحرای قناعت شو که آنجا باغ در باغ است
و خوان در خوان و وا دروا (۲)

در نگاه او، قناعت به معنای «بسنده کردن به اندازه‌ی کفایت» و بستن طمع از کثرت‌طلبی است؛ و چون انسان را از وابستگی به دیگران می‌رهاند، سرچشمه‌ی آزادی روح است:

خواجه تو قناعت تو بس است صبر و همت بضاعت تو بس است (۱)
در بخش داستانی، سنایی به روایت زندگی بقرات (یا جالینوس) اشاره می‌کند و برتری قناعت را بر وابستگی به قدرت‌های دنیوی نشان می‌دهد. بقرات در برابر پیشنهاد پادشاه می‌گوید:

بود بقرات را خمی مسکن بودش آن خم به جای پیراهن
روی از اتفاق سرما یافت از سوی خم به سوی دشت شتافت
گفت برتر شو از بر خورشید که رطب خیره بار نارد بید
حاجت از کردگار خواهم من وز تو حالی به او پناه هم من
تو چو من عاجزی و مجبوری وز بزرگی و برتری دوری
برتری مر خدای را زیباست که به ملکوت همیشه بی همتاست (۱)
سنایی با آوردن این روایت نشان می‌دهد که قناعت راه عزت است، نه ذلت؛ و آزمندی سرانجامی جز سقوط ندارد:

مرد خرسند میرکوی بود که طمع زنگ آبروی بود (۱)
او در مقایسه‌ی پیامبران و طمع‌ورزان تاریخ، چون عیسی و قارون، نشان می‌دهد که قناعت چگونه انسان را به مقامات بلند می‌رساند و طمع چگونه موجب تباهی می‌شود:

درنگر بی مزاج و خاطر دون زن دو معنی به عیسی و قارون
در نتیجه، قناعت برای سنایی «گنج پایان‌ناپذیر» است و ترک آن سبب از دست رفتن نعمت‌ها، چنان‌که در سرگذشت بنی‌اسرائیل می‌گوید:
از نهاد نهال صد ساله بیخ برارد شاخ گوساله (۱)
او تأکید دارد که قناعت نه از سر ضعف، بلکه فضیلتی معتدل است که انسان را از وابستگی به دنیا رها می‌کند:

مگسی با حدث قناعت کرد کرکس اندر هوا شجاعت کرد
زان قناعت بضاعتی خواربست زین شجاعت شجاعت و زاریست



یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های سنایی تأکید بر وحدت «علم و عمل» است. سنایی عالم بی‌عمل را به‌شدت نکوهش می‌کند و او را بدتر از جاهل می‌داند:

علم خواندی نگشتی اصل هنر جهل از این علم تو بس بهتر (۱)
یا:

علم با کار سودمند بود علم بی‌کار پای‌بند بود (۲)
او علم را تنها زمانی ارزشمند می‌داند که همراه با نیت خالص و برای دین باشد:

علم کز بهر دین و داد بود آتش و آب و خاک و باد بود (۱)
سنایی علم بدون عمل را مایهٔ تکبر و تباهی معرفی می‌کند:
چو علم آموختی از حرص آن گه ترس کاندل شب چو دزدی با چراغ
آید گزیده‌تر برد کالا (۲)

و مخاطب را به عمل‌گرایی و پرهیز از گفتار بی‌پشتوانه فرامی‌خواند:
کار کن کار گذار از گفتار کاندلین ره کار دارد کار (۱)
این نگاه سنایی در سنت عرفانی بعدی، به‌ویژه در آثار مولوی، به آموزه‌ای بنیادین تبدیل شد: «علم بی‌عمل ننگ است». مجموعهٔ فضایل اخلاقی مورد تأکید سنایی - از نیت و قناعت تا شکر، طهارت و پیوند علم و عمل - ساختار اخلاقی جامعی را تشکیل می‌دهد که ریشه در قرآن، سنت نبوی و حکمت عرفانی دارد. سنایی با بهره‌گیری از زبان شعر، این مفاهیم را از سطح اخلاق نظری فراتر می‌برد و به آنها بعدی تربیتی، عرفانی و اجتماعی می‌بخشد. همین جهان‌بینی اخلاقی است که آثار سنایی را به سرچشمهٔ الهام ادیبان و عارفانی چون عطار، سهروردی و مولوی تبدیل کرده و جایگاه او را در تاریخ اخلاق عرفانی اسلام برجسته ساخته است.

تأثیر فضایل اخلاقی در آثار سنایی بر ادبیات عرفانی مولانا

سنایی از نخستین شاعرانی است که اخلاق دینی و عرفانی را به‌صورت نظام‌مند در شعر فارسی مطرح کرد و بسیاری از فضایل اخلاقی را در قالب حکایت، تمثیل و موعظه در اثر مهم خود حدیقه‌الحقیقه بیان نمود. این شیوه بیان اخلاقی بعدها در آثار عارفان بزرگ، به‌ویژه مولانا، تأثیر عمیقی گذاشت؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مضامین اخلاقی، شیوه‌های تمثیلی و نگرش تربیتی سنایی در مثنوی معنوی ادامه یافته و گسترش پیدا کرده است.

یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی در اندیشه سنایی قناعت و توکل است. سنایی در حدیقه با تأکید بر رزق الهی و بی‌نیازی از حرص و طمع، انسان را به اعتماد به تدبیر الهی فرا می‌خواند. او با اشاره به تدبیر خداوند در آفرینش و پرورش انسان، نشان می‌دهد که روزی بندگان از جانب خداوند تضمین شده است و طمع و حرص سبب غفلت از حقیقت می‌شود:

آن نبینی که بیشتر ز وجود که ترا کرد در رحم موجود
روزیت داد نه مه از خونی کردگار حکیم بی‌چونی
در شکم مادرت همی پرورد بعد نه ماه در وجود آورد
بعد از آن الف داد با پستان روز و شب پیش تو دو چشمه روان (۱)

کارت آن به کز آن رهد عاقل انست آن به کز آن رمد جاهل (۱)
این تبیین، نقش مهمی در ادبیات عرفانی پس از سنایی ایفا می‌کند، آنجا که «قناعت» به‌عنوان یکی از پایه‌های زهد و سیر و سلوک معنوی شناخته می‌شود.

۳. شکر؛ شناخت نعمت و تسلیم در برابر حکمت الهی

سنایی «شکر» را نه یک عمل زبانی، بلکه حالتی روحی و معرفتی می‌داند که از شناخت نعمت‌ها و پذیرش حکمت الهی برمی‌خیزد. از دیدگاه او، شکر حقیقی زمانی تحقق می‌یابد که انسان بر قضای الهی صبر کند:

چون شدی بر قضای او صابر خواند آنگاه مر ترا شاکر (۱)
شکر نزد سنایی از سه عنصر تشکیل می‌شود: علم، حال و عمل؛ یعنی انسان باید نخست نعمت را بشناسد، سپس بدان ایمان داشته باشد و در عمل آن را نشان دهد:

شکر گوی از پی زیادت را عالم الغیب و الشهاده را (۱)
با این همه، او اعتراف می‌کند که انسان هرگز نمی‌تواند شکر الهی را آن‌گونه که شایسته است به‌جا آورد. این نگرش بعدها در ادبیات عرفانی - از جمله در مثنوی مولوی - مبنای مفهوم «عجز از شکر» می‌شود.

۴. طهارت؛ پاکی ظاهر و باطن در مسیر قرب الهی

طهارت در اندیشهٔ سنایی مفهومی بسیار گسترده دارد. او بر اساس تعالیم اسلامی، طهارت را شرط صحت عبادات می‌داند، اما از آن فراتر می‌رود و طهارت باطنی را مهم‌تر از پاکی ظاهری معرفی می‌کند. از نظر سنایی، طهارت باطنی همان خلوص و زدودن رذایل اخلاقی است:

آدمی را که بر سفر گذراست جلوه گر کفر و دین و خیر و شر است
تا چو در بوته هلاک شود ز آنچه آلوده گشت پاک شود
شد هلاک ار دلش نباشد پاک و بود پاک از این سفرش چه پاک (۱)
پاکی ظاهر با آب تحقق می‌یابد، اما پاکی باطن جز از راه توبه و مجاهدت نفس به دست نمی‌آید:

پاک رو زین سرای پر شر و شور ورنه گردی به زیر پای ستور
آنکه او پاک رفت از این منزل گشت زاد رهش همه حاصل
و آنکه او بدگراست و آلوده گشت در رنج راه فرسوده (۱)
در نگاه عارفانهٔ او، دل همچون «زجاجهٔ صیقی» است و هرچه پاک‌تر باشد، آمادگی بیشتری برای تجلی صفات الهی دارد. سنایی همچنین به نقش «انتقادپذیری» در طهارت باطن اشاره می‌کند:

گر کسی عیب تو کند بشنو و آنچه عیب است جملگی بدرو (۱)
و نیز:

باغ دل را تو از بدی کن پاک تا برآید نهال تو چالاک (۱)
این پیوند میان پاکی دل، توبه، و تربیت عرفانی بعدها در عرفان متأخر، از جمله در آثار عطار و سهروردی، به شاخصه‌ای برجسته تبدیل شد.

۵. پیوند علم و عمل؛ نقد عالم بی‌عمل و اخلاق عملی در شعر سنایی

شعر سنایی

این نگاه اخلاقی بعدها در آثار مولانا نیز با تأکید بر توکل و اعتماد به لطف الهی ادامه می‌یابد. مولانا همان مضمون را در قالب حکایت‌ها و تمثیل‌های گوناگون بیان می‌کند و انسان را از دل‌بستگی به اسباب ظاهری برحذر می‌دارد. در واقع، مولانا مفهوم توکل و قناعت سنایی را به صورت گسترده‌تری در نظام تربیتی مثنوی به کار می‌گیرد.

از دیگر فضایل اخلاقی مورد تأکید سنایی شناخت محدودیت عقل جزئی و لزوم هدایت معنوی است. سنایی در حکایت معروف «پیل در شهر» نشان می‌دهد که انسان‌ها به دلیل محدودیت ادراک، حقیقت را به طور کامل درک نمی‌کنند و هر کس تنها بخشی از آن را می‌بیند. او می‌گوید:

تا بدانند شکل و هیبت پیل هر یکی تازیان در آن تعجیل

هر یکی را به لمس بر عضوی اطلاع اوفتاد بر جزوی (۱)

مولانا همین حکایت را با ساختاری گسترده‌تر در مثنوی معنوی بازآفرینی می‌کند و آن را به یکی از مشهورترین تمثیل‌های عرفانی تبدیل می‌سازد. در روایت مولوی نیز مردم در تاریکی فیل را لمس می‌کنند و هر کس بر اساس ادراک محدود خود تصویری ناقص از حقیقت ارائه می‌دهد:

پیل اندر خانه تاریک بود عرضه را آورده بودندش هُند

از برای دیدنش مردم بسی اندر آن ظلمت همی‌شد هر کسی (۳)

این تمثیل در هر دو اثر بیانگر یک اصل اخلاقی و معرفتی است: حقیقت الهی فراتر از ادراک محدود انسان است و انسان برای درک کامل آن نیازمند هدایت معنوی و نور معرفت است. با این حال، مولانا این مضمون را با عمق عرفانی بیشتری گسترش می‌دهد و آن را به مسئله وحدت حقیقت و محدودیت شناخت انسانی پیوند می‌دهد.

از فضایل مهم دیگر در اندیشه سنایی ترک غرور علمی و پیوند علم با عمل است. سنایی بارها عالمان بی‌عمل را نکوهش می‌کند و تأکید دارد که علم بدون عمل ارزشی ندارد. این نگرش اخلاقی در ادبیات عرفانی بعدی، به‌ویژه در آثار مولانا، جایگاهی اساسی پیدا می‌کند. مولانا نیز در مثنوی بارها بر بی‌فایده‌گی دانش ظاهری بدون تهذیب نفس تأکید می‌کند و علم حقیقی را علمی می‌داند که انسان را به معرفت الهی و عمل صالح برساند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که سنایی با طرح فضایل اخلاقی همچون قناعت، توکل، فروتنی معرفتی، و پیوند علم و عمل بنیانی برای اخلاق عرفانی در شعر فارسی فراهم کرد. مولانا این میراث فکری و اخلاقی را دریافت و در مثنوی معنوی با زبانی گسترده‌تر، تمثیل‌های متنوع‌تر و عمق عرفانی بیشتر ادامه داد. از این رو بسیاری از پژوهشگران سنایی را از پیشگامان شکل‌گیری سنت اخلاقی در ادبیات عرفانی می‌دانند؛ سنتی که در آثار عطار و به‌ویژه مولانا به اوج خود رسید.

تأثیر فضایل اخلاقی در آثار سنایی بر ادبیات عرفانی

سعدی

تأثیر تعالیم اخلاقی سنایی در ادبیات عرفانی سعدی به‌خوبی قابل مشاهده است. سنایی از نخستین شاعرانی است که مفاهیم اخلاقی و

عرفانی را به‌صورت منسجم در شعر فارسی مطرح کرد و بسیاری از مضامین اخلاقی او بعدها در آثار شاعران بزرگی مانند سعدی بازتاب یافت. سعدی که خود از مهم‌ترین نمایندگان ادبیات تعلیمی و اخلاقی در زبان فارسی است، در آثار خود به‌ویژه گلستان و بوستان همان رویکرد تربیتی و اخلاقی سنایی را با بیانی ساده‌تر و حکیمانه‌تر ادامه داده است.

یکی از جلوه‌های این تأثیر در توجه به حکمت در سخن و ارزش سکوت دیده می‌شود. سنایی در حدیقه‌الحقیقه بر این نکته تأکید می‌کند که سخن گفتن اگر از روی خرد و آگاهی نباشد، بهتر است انسان سکوت اختیار کند:

نطق زیبا ز خاموشی بهتر و نه در جان فراموشی بهتر (۱)

همین مضمون اخلاقی در سخن سعدی نیز به‌صورت روشن انعکاس یافته است. سعدی ارزش انسان را در سنجیده سخن گفتن می‌داند و سکوت را تا پیش از بیان سخن، نشانه‌ی سلامت عقل معرفی می‌کند:

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد (۴)

در هر دو نمونه، اصل اخلاقی کنترل زبان و سنجیده‌گویی مطرح است؛ موضوعی که در سنت اخلاقی و عرفانی اهمیت فراوان دارد و از دیدگاه صوفیان، مهار زبان مقدمه‌ای برای تهذیب نفس و سیر درونی انسان محسوب می‌شود.

نمونه‌ای دیگر از این تأثیر را می‌توان در توجه به اعتدال و آرامش درونی مشاهده کرد. سنایی در حدیقه با نگاهی حکیمانه به ناپایداری دنیا اشاره می‌کند و انسان را به رهایی از دلبستگی‌های افراطی و پذیرش واقعیت‌های زندگی دعوت می‌کند:

آز را ماردان که در عالم نشود جز به خاک سیر شکم (۱)

این نگاه اخلاقی به جهان در آثار سعدی نیز به‌صورت گسترده دیده می‌شود؛ سعدی نیز انسان را به درک واقعیت‌های زندگی، دوری از حرص و توجه به آرامش درونی فرا می‌خواند و با بیانی تمثیلی و حکیمانه همان آموزه‌های اخلاقی را بازتاب می‌دهد. (۴)

به‌طور کلی می‌توان گفت که سنایی با طرح مفاهیم اخلاقی مانند کنترل زبان، قناعت، واقع‌بینی نسبت به دنیا و تربیت نفس زمینه‌ای را فراهم کرد که بعدها در آثار سعدی به شکلی پخته‌تر و نظام‌مندتر ادامه یافت. سعدی این مضامین را که در شعر سنایی بیشتر در قالب مواعظ صوفیانه بیان شده بود، با زبانی ساده‌تر، داستانی و تربیتی در آثار خود گسترش داد و بدین ترتیب سنت اخلاقی و عرفانی سنایی را در ادبیات فارسی تداوم بخشید.

تأثیر فضایل اخلاقی در آثار سنایی بر ادبیات عرفانی حافظ

تأثیر تعالیم اخلاقی و عرفانی سنایی در آثار حافظ از جنبه‌های مهم پیوند میان ادبیات تعلیمی و ادبیات عرفانی در شعر فارسی به شمار می‌آید. سنایی با طرح مفاهیم اخلاقی و عرفانی در آثاری چون حدیقه‌الحقیقه، زمینه‌ای فراهم کرد که بعدها در شعر شاعرانی مانند حافظ به شیوه‌ای هنری‌تر و نمادین بازتاب یافت. هرچند حافظ بیشتر به



آموزه‌های اخلاقی سنایی در شکل‌گیری جهان‌بینی عرفانی نظامی نقشی اساسی داشته است.

در حدیقه، سنایی بارها حقیقت‌جویی را فضیلتی بزرگ می‌داند و یکی از نشانه‌های آن را طلب آب حیات در ظلمات معرفی می‌کند؛ جایی که خضر نبی همچون نماد انسان سالک در جستجوی نور در تاریکی حرکت می‌کند:

ای اسکندر در این ره آفات همچو خضر نبی در این ظلمات

زیر پای ار گوهر کانت تا به دست آید آب حیوان (۱)

نظامی همین حکایت را مفصل‌تر و داستانی‌تر می‌آورد و آن را به تمثیلی عرفانی بدل می‌کند. او در روایت خود از «سنگ عزیز» که اسکندر باید آن را از میان سنگ‌ها باز شناسد، همان مضمون تشخیص حقیقت از باطل را گسترش می‌دهد:

سند سنگ از او شهریار جهان سپارنده سنگ از او شد نهان (۶)

در هر دو اثر، «تشخیص حقیقت» و «پرهیز از گمراهی» یک فضیلت اخلاقی بنیادین است که از سنایی آغاز و به‌صورت تمثیلی در نظامی کامل می‌شود.

سنایی در حدیقه بر پاکی زبان و صداقت در رفتار و گفتار تأکید دارد. بیت نقل‌شده از او چنین است:

شعرت اول که شاه تن باشد نور صبح دروغ زن باشد (۱)

این هشدار اخلاقی سنایی علیه دروغ، به‌صورت مستقیم در شعر نظامی بازتاب می‌یابد. نظامی در لیلی و مجنون زبان دروغ‌گو را نکوهش کرده و دروغ را نشان دوری از صفای باطن می‌داند:

در شعر مپیچ و درن او زیرا که اکذب اوست احسن تو (۷)

این پیوستگی نشان می‌دهد که صداقت، راست‌گویی و پرهیز از اغوا که از فضایل برجسته اخلاقی سنایی است، در نظامی نیز یکی از پایه‌های اخلاق عرفانی به شمار می‌آید.

سنایی از مهم‌ترین صوفیانی است که با زبانی تمثیلی، انسان را از فریفتگی به دنیا برحذر می‌دارد و دلبستگی افراطی به مادیات را مانع رشد روحانی می‌داند. این مفهوم در حکایات اخلاقی حدیقه بارها تکرار شده است.

در داستان سنگ اسکندر، نظامی همین نگرش را ادامه می‌دهد؛ چرا که سنگ گرانها تنها برای کسی ارزش دارد که از دیدن «ظاهر» فراتر رفته و معنای حقیقی را دریابد. تمام حکایت بر اساس این اصل عرفانی بنا شده که دنیا محل آزمایش است و گمراهی زمانی رخ می‌دهد که انسان به ظاهر اشیا بسنده کند.

این بیت با زبان داستانی همان آموزش اخلاقی سنایی است: اعتدال، رها کردن وابستگی و شناخت حد ضرورت. سنایی عمدتاً با لحن صریح و تعلیمی سخن می‌گوید، اما نظامی آموزه‌های او را در قالب داستان، حکایت و نمادپردازی می‌ریزد. این تفاوت سبکی نشان نمی‌دهد که نگاه اخلاقی نظامی متفاوت است؛ بلکه نشان می‌دهد که او تعلیم سنایی را به زبان هنری‌تری بازآفرینی کرده است. برای مثال در سنایی، «پرهیز از غرور و پایداری بر حق» بیشتر در قالب اندرزهای مستقیم می‌آید. در نظامی، همین فضایل در شخصیت‌هایی چون اسکندر، خضر، مجنون و

عنوان شاعری غزلسرا شناخته می‌شود، اما در بسیاری از ابیات او می‌توان مضامین اخلاقی و عرفانی‌ای را مشاهده کرد که ریشه در سنت فکری شاعرانی چون سنایی دارد.

یکی از جلوه‌های این تأثیر در توجه به حقیقت باطنی انسان و رهایی از حجاب‌های مادی دیده می‌شود. سنایی در آثار خود بارها به ناپایداری جهان مادی و ضرورت عبور از ظاهر برای رسیدن به حقیقت اشاره می‌کند. این نگاه عرفانی و اخلاقی بعدها در شعر حافظ نیز انعکاس یافته است. حافظ با بیانی نمادین به این حجاب‌های دنیوی اشاره می‌کند و رهایی از آن‌ها را شرط رسیدن به حقیقت می‌داند:

حجاب دیده جان می‌شود غبار تنم خوشا دمی که از این حجاب پرده برافکنم (۵)

در این بیت، همان اندیشه عرفانی سنایی درباره برتری حقیقت روحانی بر تعلقات مادی مشاهده می‌شود؛ اندیشه‌ای که در ادبیات صوفیانه جایگاهی اساسی دارد.

نمونه دیگر این تأثیر در نگاه واقع‌بینانه به جهان و پذیرش رنج‌های زندگی دیده می‌شود. سنایی در حدیقه با تأکید بر این نکته که دنیا خالی از رنج و نقص نیست، انسان را به نوعی بینش اخلاقی و حکیمانه نسبت به زندگی دعوت می‌کند:

زانکه در زیر هفت و پنج و چهار نیست مل بی‌خمار و گل بی‌خار (۱)

همین مضمون در شعر حافظ نیز انعکاس یافته است. حافظ با لحنی حکیمانه به این نکته اشاره می‌کند که در جهان هیچ نعمتی بدون نقص و رنج وجود ندارد:

حافظا از باد خزان در چمن دهر مرنج فکر معقول بفرما گل بی‌خار کجاست (۵)

در این دو نمونه، اندیشه اخلاقی مشترکی دیده می‌شود که بر واقع‌بینی، پذیرش طبیعت جهان و پرهیز از انتظار کمال مطلق در دنیا تأکید دارد. چنین نگاهی از مبانی مهم حکمت عرفانی در شعر فارسی است و از سنایی تا حافظ استمرار یافته است.

در مجموع می‌توان گفت که سنایی با طرح مفاهیم اخلاقی و عرفانی مانند نقد دلبستگی‌های مادی، توجه به حقیقت باطنی انسان و نگاه حکیمانه به ناپایداری دنیا تأثیر قابل توجهی بر جریان ادبیات عرفانی پس از خود گذاشت. حافظ نیز با بهره‌گیری از همین مضامین، آن‌ها را در قالب غزل‌های نمادین و هنرمندانه بازآفرینی کرد و بدین ترتیب سنت فکری و اخلاقی سنایی را در شعر فارسی استمرار بخشید.

تأثیر فضایل اخلاقی در آثار سنایی بر ادبیات عرفانی نظامی

نظامی گنجوی از بزرگ‌ترین شاعران حکمی و عرفانی سده ششم و هفتم است و آثار او، به‌ویژه مخزن الاسرار، آشکارا از دستگاه اخلاقی و عرفانی سنایی اثر پذیرفته است. سنایی نخستین شاعری بود که تعلیم اخلاقی، حکمی و صوفیانه را در قالبی منسجم و آموزشی در حدیقه‌الحقیقه طرح کرد و نظامی این سنت را با روایتی داستانی، تمثیلی و نرم‌تر ادامه داد. مقایسه‌ی مضامین اصلی در دو اثر نشان می‌دهد که

5. Moral Virtues	فضائل اخلاقی
6. Moral Valuation	ارزش گذاری اخلاقی
7. Mystical Ethics	اخلاق عرفانی
8. Social Ethics	اخلاق اجتماعی
9. Islamic Ethics	اخلاق اسلامی
10. Rational Philosophy	فلسفه عقل گرایانه
11. Existential Knowledge	معرفت وجودی
12. Spritual Experience	تجربه روحانی
13. Practical Mysticism	عرفان عملی
14. Freedom	آزادی
15. Moral Vices	رذائل اخلاقی

References

1. Sanai A. The true path and the shariah of the path. Edited by Razavi M. Tehran: University of Tehran. 1998. (In Persian).
2. Sanai A. Sanai's Divan. Edited by Razavi M. 1st ed. Tehran: Ibn Sina Publication. 1962. (In Persian)
3. Rumi Jalal al-Din Muḥammad. Masnavi. Edited by Nicholson R. Tehran: Behzad Publication. 1991. (In Persian).
4. Saadi, Mosleh al-Din. Golestan. Edited and annotated by Estadvali H, Tehran: Ghadiani Publication. 2019. (In Persian).
5. Hafez, Shams al-Din Mohammad. Divan. with an introduction by Mohammadi Malayeri A. 15th ed. Tehran: Zarrin Publication. 2002. (In Persian).
6. Nezami Ganjavi, Elias bin Yousef. Generalities of Nezami Ganjavi. 1st ed. Tehran: Anali Publication. 2017. (In Persian).
7. Nezami Ganjavi, Elias bin Yousef. Nezami's Khamsah. Tehran: Amirkabir Publication. 1994. (In Persian).

حتی خردمندان داستانی مجسم می شود. بنابراین فضایل اخلاقی به جای آن که نصیحت باشند، تبدیل به رفتار و کنش شخصیت های قصه شده اند. این شیوه نظامی بدون تردید از زیربنای اخلاقی سنایی تغذیه کرده است.

نتیجه گیری

سنایی از بزرگترین شاعران ادب فارسی است. اشعار وی بر آموزه هایی اخلاقی تکیه بسیار دارد و با تلفیق طریقت و شریعت، مضامین اخلاقی را زیربنای آموزه های خود قرار داده است. بنابراین، پایه و اساس اشعار وی، آراسته شدن به فضایل اخلاقی است. سنایی با تکیه بر اصولی چون دین، قرآن و عقل، نظامی اخلاقی را در شعر فارسی بنیان نهاد که محور آن تزکیه نفس، حقیقت جویی و رهایی از دلبستگی های دنیوی است. فضایل اخلاقی همچون نیت پاک، قناعت، شکرگزاری، طهارت درونی و پیوند علم و عمل در آثار او جایگاهی اساسی دارند. این آموزه ها زمینه ساز شکل گیری جریان اخلاق عرفانی در شعر فارسی شدند و در آثار شاعرانی چون مولوی، نظامی، سعدی و حافظ به شیوه های گوناگون ادامه یافتند.

ملاحظه های اخلاقی

در مقاله حاضر اصل اخلاقی، با معرفی منابع مورد استفاده امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Knowledge	معرفت
2. Ethics	اخلاق
3. Moral Knowledge	معرفت اخلاقی
4. Ethical Action	عمل اخلاقی

